

شهرهای جدید در مرزهای جنگ سرد.

Michelle Provoost میشل پرووست
تحلیل گر تاریخ معماری ، درتردام هلند .

پیشگفتار مترجم .

مطالبی که در این سایت به بحث گزاریده شده ، عمدتاً به مقولات شهری و برنامه ریزی فضائی
 شهرنشینی معاصر ، وضعیت وامکانات شهرها ، برنامه ریزی و طراحی شهری ، موانع توسعه
 و تحول شهرها وسایر موضوعات مشابه .

شهرها با بویژه کلان شهرهای ما امروزه با مشکلات و کاستی های عدیده ای مواجه اند . شهر های
 های رفع و یا حد اقل تعدیل این کاستی و نابسامانی ها . . . نه تنها این انتظارات برآورده
 نمیشوند بلکه ، در مشکلات و کمبودها ایش هم میبایند ! چنین وضعیتی طبیعی است که میباید
 چگونگی سیاست گذاری ها و محتوای آنها با محتوای های . لذا ، نخستین پرسشی که این زمینه
 در ذهن خطور میکند این است که : چرا این طرحها سیاست گذاری ها بدون مشارکت مردم و مبتنی
 بر سلاهی که چندان با منافع و انتظارات مردم همخوانی ندارند ، انهم به صورت کلیشه ای و تقلید از جوامع
 غربی ، میشوند ؟ چون در یک روال منطقی هر گونه سیاست گذاری و برنامه ریزی در جامعه ،
 خاصه مواردی چون برنامه ریزی شهری با نخست میباید طرح مسئله نموده و با روش های وسیعی
 در سطح جامعه به روش های طرح مسئله مذکور را اکثریت بپذیرند . نه اینکه پیشاپیش به سلیقه این
 یا آن مقام یا شورا ، نتیجه گیری نمود و با تصمیم به ساخت شهر جدید گرفت ! یا اینکه
 بررسی وسیع و نتیجه گیری روش های تهران و یا شهر دیگر نظیران بیش از < >
 بزرگ شدن آنرا شاهد آورد ! تهران بسیار و ولی ! و ممتدی که در
 توسعه هدایت گسترش آگانه (منافع اکثریت مردم) بسیار و سازتاز
 بزرگی آن است ! بنا براین ، باز هم بر اساس یک روال اصولی پس از طرح مسئله مورد تأیید ج
 حلها را با مشاورت و مطابق با منافع و انتظارات اکثریت تدوین پیشنهاد نمود .

اکنون پرسش این است که : چرا در این امور چنین مسیری را طی نمیکنیم ؟ □□□□ انقلاب چنین مسیری

طی نمیشد، و یا اصولاً ".....! با کمی تفاوت کارها را بهمان سبک

سياق میدهیم بجای طی مسیر معقول و مبتنی بر توافق جمعی ، همواره بسوی کلیشه کردن

و تقلید دیگران سوق داده میشویم ؟

اکثریت همخوانی ندارند و به راحتی و به سرعت با بن بست مواجه میشوند باز هم این روال

ادامه میدهیم؟ چرا باینکه میدانیم در اکثریت غریب به اتفاق کشورهای در حال توسعه ایکه به

شهر جدید مبادرت نمود. اکنون نادرستی سیاست شان را دریافته اند. یا این که آنچه خود

احداث نموده ایم ، به شهادت موافق ومخالف ، تجربه ای ناموفق بوده □ باز هم بدون در نظر داشتن مشکلاتی

که برای مردم بوجود می‌آورد ▯ احداث آنها ▯ ادامه می‌دهیم؟ شهرهای جدید به کنار ▯ ▯ ▯ ▯ ▯ باغشهر در حریم

تهران را پیش میکشیم ، برنامه ریزی راهبردی (استراتژیک) تقلید □ □ □ □ □ انرا به صورت اخرین

دست آورد علمی! شهرسازی عرضه میکنیم. یا به هر حال سیاستگزاریهار به همان روال

ادامه میدهیم. ایا منافع گروه ویا ذینفع های خاصی در میان است!

برخی از منتقدین میگویند: در اکثر کشورهای در حال توسعه این کلیشه کردن ها یکی از یک جریان بین

المللی استکه سالهاست درجهت تامین وتحکیم و تبلیغات وتمهیدات وسیع نخبگان این جوامع

به کاربرد نسخه های پیشنهادی خود ترغیب ننمایم. جامعه حرفه ای ما هم نه تنها این شیفتی

علیرقم انقلاب عظیم ملت ایران با کمال تأسف ، به استثنای سالهای دهه اول پس از انقلاب ، فروکش نکرده

جای خود را به ریشه یابی مشکلات از طریق پژوهشهای وسیع و و سپس ارائه راه حلها

والگوهای برگرفته از این پژوهشها □□□□ بلکه این اواخر، این شیفتگی و کلیشه کردن ها □□ حال تشدید

شدن هم هست ! □□□

اکنون جهت بررسی جو انب مختلف و ریشه یابی این تقلیدها، همانطور که در بحث ، کمبود تحقیق و ادامه

تقلید - مطرح نمودیم ، هر کدام از این مقولات تقلیدی ، مانند : شهر جدید ، باغشهر ، ب - نامه ریزی استراتیژیک

توسعه یابدار و غیره را بصورت **مطرح نموده سعی خواهیم**

مبانی تئوریک ، میزان موفقیت نمونه های مشخصی آنها که برخی کشورهای در حال توسعه به
آن ها پیوسته اند را مورد توجه قرار دهیم . غرض از این بحث تاکید این مهم است که : بدون وسعت بخشیدن
به پژوهش همه جانبه در مقولات آن ها مشکل میتوان استفاده و بهره جوئی آگاهانه از تجربیات دیگران
خاصه تجربیات جوامع پیشرفته غربی را جایگزینی تقلید مداوم از آنها نمود .

بحث را با ایده معروف به « شهر جدید » که هم اکنون عدم موفقیت آن در آنجا و آنجا به آنجا
خاصه در کشورهای در حال توسعه به آنجا و آنجا احب نظران این مقولات مورد بحث آنجا میکنیم .
در این عرصه میان صاحب نظران منتقدانی که این زمینه پژوهش میکنند ، برداشت های بسیار متنوعی
رایج است . برخی بطور کلی برنامه ریزی فضائی رایج شده در کشورهای حاشیه جهان سرمایه داری :
برنامه ریزی شهری ، منطقه ای سرزمینی و غیره را همانند آن نسخه های مربوط به برنامه های
اقتصادی ارزیابی میکنند که همواره به تحت سلطه ها تحمیل شده آن . آنها به اینگونه نسخه ها
آنجا و آنجا بسط و تحکیم منافع سرمایدارانی خاصه امریکای شمالی می آنجا . برخی دیگر ضمن
پذیرفتن وجود چنین سیاست های تحمیلی آنجا مردم سالاری آنجا و آنجا یاری (آنجا)
کشور ، در نتیجه عدم مشارکت مردم تصمیم گیری ها آنجا کشورهای در حال توسعه را نه تنها آنجا
آنجا ، بلکه آنجا اصلی پذیرش چنین تحمیل و تقلیدها میدانند . برخی دیگر نیز بعکس ،
اینگونه نگرش ها ، را بصورت نوعی باور به « تئوری توطئه » یا به بینی بیش از آن ارزیابی میکنند
! علاوه بر اینگونه نظریات موافق و مخالف صاحب نظران دیگری این باورند که اصولاً آنچه بعنوان
شهر جدید ، عمدتاً جنگ دوم جهانی در کشورهای مختلف چه توسعه یافته و یا توسعه نیافته به اجرا
در آمدند کلاً تجربه ای نا موفق و شکست خورده اند ، آنها معتقدند که حتی یک مورد را نمیتوان یافت ، که

آنجا و آنجا آنجا ! همانطور که ملاحظه میشود برداشت ها بسیار متنوع اند . بنابراین برای
آنجا از آنگ هائی چون باور به « تئوری توطئه » و نگرشهای افراطی نظیر آن ، سعی خواهیم نمود حتی
آنجا و آنجا عقاید آنجا . این ترتیب اولین بحثی که در این زمینه مطرح میشود ، مربوط به پژوهش

ی‌پائی است . مقاله ایست که یک کارشناس تاریخ معماری به دید یک اروپائی به چگونگی احداث « شهر جدید » بطور کلی و بویژه در برخی جوامع در حال توسعه ، ته است .

چگونه برنامه ریزی شهری به شبهه یک ابزار پیروزی ده به کشورهای در حال توسعه .

مقدمه : از ایروزینه (1) از مجموعه : شهر همچون مرحله ای از ارتقاء اجتماعی

چگونه برنامه ریزی شهری مدرن همچون ابزار بسط نفوذ سیاسی غرب در دوران جنگ سرد به کشورهای در حال توسعه تجویز میشدند .

کنستانتین دوکسیادیس (2) ، معماری استکه طی دهه های 50 تا 60 میلادی شهرهای جدیدی را در کشورهای خاورمیانه ، میان ، آفریقا و آسیا . او یکی از چهره های برجسته سیاست های امریکای شمالی به نام . حالیکه به پیشرفت دموکراسی القائی و ارزش های بازار در کشورهای جهان سوم را نوید میداد ، شهرهای جدید در این راستا احداث میشدند . انهم در حالی که سنن و ویژگیهای بومی را رعایت نمیکردند . امروزه آنچه دکیادیس به طه بازندگی شهری در پی دستیابی به ان بود ، کاملاً صورت دیگری بخود گرفته است . اکنون شهر صدر (صدر سیتی) ورت یک مجموعه الونک نشین عظیمی در است . بعنوان نمونه در انجا تیفوئید ، هپاتیت و بسیاری از اپید می های دیگر بسیار رایج اند . شهر بصورت مکانی در آمده که در ان نوع جدیدی از جنگ چریکی شهری در حال توسعه و تکامل است . آنچه در واقع درباره شهر جدید و دکیادیس میتوان گفت ، میشل پر است : " - دکیادیس - همان ایده را در مورد شهر صدر در میپروراند که

امروزه ، دقیقاً " مبتنی بر شباهت " امریکا میخواهد دموکراسی را برای عراق به ارمغان بیاورد "

میشل پرووست Michelle Provoost

شهرهای جدید در مرزهای جنگ سرد .

New towns on the Cold War frontier

اشاره به شهرهایی داریم که در سالهای 1950-1960 کشورهای مختلف ، بصورت جدید ساخته شدند . آنچه در این زمینه شگفت انگیز است این است که : چگونه نیاز ناشی از رشد جمعیت یک نسخه و الگوی مشابه را برای مکانهایی با فرهنگ و سابقه سیاسی متفاوت تجویز می کنند . یعنی همان راهبرد ، روش طراحی که در ساخت ، ویل نول (3) و مومپاریس ، شهر جدید نزدیک لندن ، بخش جدید استکهلم ویا شهر هوگ ولایت (4) در هلند ، بکار گرفته شد . این شهرها همه بر مبنی باغ شهر و یک سلسله مراتب منطقه بندی (زونینگ) بر اساس برنامه ریزی شهری مدرن ، احداث شدند . احداث شهرهای جدید در سال 1940 در برخی کشورهای اروپایی ، بصورت الگو نسخه ای ، جهت پاسخگویی به گسترش شهری اروپای غربی ، به اجرا درآمدند . اینجا ، مسئله ای که درک آن مشکل است ، این است که : چگونه همین الگوی طرح ریزی شهری مدرن ، برای کشورهای در حال توسعه استفاده می کنند ؟ رسته آریقا ، خاورمیانه و آسیا هم تجویز می کنند . صدور الگوی شهر جدید به این کشورها فقط میتوان با توجه به زمینه و عقبه سیاسی جنگ سرد ، که در آن شرق و غرب هر دو در مبارزه و رقابت برای گسترش نفوذ خود در جهان سوم بودند، درک نمود . در حالی که تلاش شوروی برای این زمینه با شکست مواجه شد بررسی و پژوهش قرار نگرفته است . ایالات متحده ، روشن است که : برنامه ریزان ، شهرهای

3- V illes N ouvelles 4- Hoogvliet

بسیاری از کشورهای جهان برای همکاری در این کشورها با صوص مناطق استراتژیکی مانند خاورمیانه و نزدیک ، در اختیار داشت . فرضیه ای که در این رابطه مطرح می باشد ، بر این اساس است که : برنامه ریزی شهری را بعنوان وسیله پیشبرد سیاست های دوران جنگ سرد ارزیابی مینماید . بدین ترتیب که معماری و برنامه ریزی شهری بعنوان ابزاری فرهنگی همراه با اهرم های سیاسی سلطه ، عمل مینمود . نمونه زنده برای اثبات این فرضیه را بعنوان نمونه میتوان : همکاری جالب میان کنستانتینوس دکسیادیس و بنیاد فور مشاهده نمود . چگونه بسیاری از منابع مالی جهت پژوهشها و تهیه مدل های مختلف توسط این بنیاد تامین میشد . ایندو همکاری بسیار فعالی برای توسعه و تدوین این برنامه ها با خاور نزدیک ، میانه و افریقا داشتند . همکاری ایندو نشان میدهد که ، چگونه با اصطلاح < بیطرفی > ای که در معرفی شهرسازی بمقیاس وسیع عا میشد ، در واقع همه چیز بیطرفی یعنی در عمل ، با نوید نیل به آزادی ، دموکراسی و ایده های مربوط به همکاری جمعی و مشارکت فاصله بسیار داشت .

جنگ سرد فرهنگی .

فضای قطبی شده از زمان ، حتی یک موسسه و یا نهاد امریکائی وجود نداشت که در « ای ای کمونیسم » شرکت نداشته باشد . وزارت خارجه ، سازمان سیا ، سازمان همکاری های شمالی و شرقی ، راکفلر کارنژی ای تی . دانشگاه هاروارد ، هر کدام نقشی در این کارزار داشته ، بنوبه خود جزئی از شبکه همکاری فرهنگی بودند . اخیراً تصمیم گرفتیم بعنوان یک ، گار آگاه تفننی (هوبی ددکتیو) این شبکه پیچیده از طریق مصاحبه با افراد و اسناد و مراسلات ، میکرو فیلم های موجود ، کنکاشی انجام دهم . دکسیادیس که دوستانه با بنیاد فور همکاری داشته نام کوتاه شده اش ، دینوس خطاب میکردند ، یک سیستم غیر قابل نفوذ نظری و طراحی مهندسی بنام « اکیستیس » (5) و « اکیستیس » اسکان انسان را توسعه و تدوین نمود . این سیستم در واقع جایگزین علمی و عقلانی شهر های تاریخی

موجود باتراکم انسانها و وسایط نقلیه شان میشدند . بجای این شهرها ، دکسیادیس ، شهر شبکه ای (گرید) خود را پیشنهاد نمود . الگویی که براساس آن از تخریب محیط زیست جلوگیری شده و همزمان با آن شهر ، منابع مالی ، وسایط نقلیه و غیره را تسهیل نموده شرایط برای هرگونه توسعه ای مهیا میگردد .

براین ، دکسیادیس احتمالا " یکی از پیشروان طراحی شهری با عملکرد (فونکسیون) مدرن ، وسیله ای برای آزادی ، صلح و پیشرفت با طابق با الگوی غربی دهه ۱۹۳۰ .

استعداد سیاسی اش موجب شد ، ارتباط بسیار موثری با شبکه های بین المللی ، نهادهای صاحب قدرت ، مقامات مختلف ایالات متحده ، سازمان ملل برقرار نموده ، و بدین صورت پروژه های مختلفی را

پیش ببرد . دهه ۱۹۳۰ به تنهایی بیش از همه اهل حرفه ای که در کنگره سی.آی.آ (6) (کنگره بین المللی معماری مدرن) شرکت داشتند با های شهرسازی مختلفی را اجرا درآورده بود .

هنگامی که کنگره بین المللی سی.آی.آ.ام به اتمام رسید ، اوطراحی بسیاری از شهرهای جدید ، از جمله : آمریکا ، سوئیس ، سوئد ، لبنان ، پاکستان ، عراق و ایالات متحده را بعهده داشت .

ممکن شد یک دفتر مشاور معماری و شهرسازی ، تهیه این تعداد طرح شهرسازی رابعهده بگیرد ؟ ایا

معماران مدترین شهرسازان بود و یا دیگران ناتوان بودند ؟ دهه ۱۹۳۰ لوئیز (7) حتی موفق نشد یکی از طرحهای شهری خود را در امریکای جنوبی اجرا درآورد . له کوربوزیه فقط توانست یک شهر جدید ، چندیکار با مشکلات فراوان در هند طرح نماید . روشن است که دکسیادیس نمیتوانسته

تشکیلات وسیع اش را براساس قابلیت و معروفیت حرفه اش بنا نماید ، بلکه همه اینها بسبب حمایتی بود که امریکا نسبت به او داشت .

رابطه نامیمون .

بنیاد فورد را در نظر بگیریم : بنیادی که توسط شخص هنری فورد در سال ۱۹۳۰ تاسیس شد . این بنیاد

۱۹۵۰ سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۹ زایا ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۹ . اہم اہداف این بنیاد توسط رئیس ان پول

هوفمن یکی از سازمان دهندگان ، مارشال پلان ، در اروپا تنظیم گردید . در این شرایط بود که هوفمن با دکسیادیس رابطه برقرار مینماید . بدین صورت که دکسیادیس از فرصت استفاده نموده ، برای نشان دادن همان نوازی یونانیان ، با ترتیب دادن مجلس مهمانی همراه با رقاصه های به ظاهر سنتی یونانی از هوفمن پذیرائی مجلی بعمل میآورد . ضیافتی که نهایتاً " □ □ □ □ □ □ " خارجی که دکسیادیس برای ترتیب دادن چنین بزمی به عهده گرفته بود ، نتیجه داشت .

هوفمن بنیاد فورد را بگونه ای جاه طلبانه ، راهگشای صلح جهانی معرفی مینمود . با این هدف که دنیای بهتری از طریق تربیت وازمیان بردن جهل ممکن است . آنچه او " قابلیت درک وقضاوت انفرادی" نامید ، که از طریق بسط دموکراسی وتمدن غربی میتوان به ان نایل آمد . انها می کوشیدند با سرمایه گذاری در نهاد های آموزشی – **مدرنیزاسیون** برنامه های کشاورزی ، به این هدف والای **مدرنیزاسیون** . هرچند برنامه ریزی شهری بهیچ وجه هدف این بنیاد نبود ، اما بنیاد فورد **مدرنیزاسیون** لها - دهه **۱۹۵۰** - پنج ملیون دلار به تشکیلات دکسیادیس کمک کرد . این کمک **مدرنیزاسیون** ترین رقمی بود که یک بنیاد خصوصی میتواند به تشکیلاتی کمک نماید . با اعطای این کمک بسیار زیاد ، تشکیلات دکسیادیس کار روی شهر کراچی پاکستان را درسالهای میانی دهه 50 میلادی آغاز نمود . وبدین ترتیب همکاری او با بنیاد فورد تحکیم واقعی یافت .

این شبکه ارتباطات بین‌المللی با بنیاد، دکسیادیس به شبکه وسیع ارتباطات بنیاد فورد پیوست . این شبکه ارتباطات بین‌المللی ای با سیاست خارجی رسمی امریکا داشت . آنها هم بنوبه خود به تبادل اطلاعات وامکانات بین بنیاد ، مراکز اقتصادی امریکا و واشنگتون میپرداختند . دانشگاه های معروفی نظیر هاروارد ، آی تی هم بنوبه خود ارتباط مستحکمی با بنیاد فورد و وزارت خارجه داشتند . اینها نیز به پژوهش و مشاوره هایی که از کمک های اعطائی بنیاد استفاده میکردند ، یاری میرساندند . پژوهشهای این مراکز ، بعنوان مثال هاروارد و ام آی تی با ایجاد مرکزی مشترک (ناسا - اریکا) برای مطالعات شهری ، ملیونها دلار از اعطا کنندگانی همچون بنیاد فورد دریافت میکردند . بدین ترتیب یک روند مبادله سازمان داده شد ، که در نتیجه آن

منابع بین‌هاروارد، بنیاد فورد و دولت آمریکا، رد و بدل می‌گردید. با اینهمه چنین مسائلی در آمریکا امری عادی و پذیرفته شده، و مورد تأیید بود. چون از نظر آنها هدف ایجاد صلح و نظم برای جهان است؛ بنابراین کاملاً منطقی مینمود که: بخش خصوصی و سیاست خارجی در چنین اموری با یکدیگر همکاری داشته باشند.

هنوز همه این بحث‌ها ویژگی اصلی کار را بیان نمیکند. یعنی برای توجیه این مسئله که چرا اغلب این پروژه‌ها به دکسیادیس - نه فرضاً - به لئویز سرت ویا والتر گروپیوس - کافی نیست. این مسئله را باید در همخوانی پیشنهادهای دکسیادیس با طرز تفکر رایج میان نخبگان آمریکائی جستجو نمود. چه ویژگی‌ای کارها و پیشنهاد های دکسیادیس داشت، که بنیاد فورد او را برای چنین ماموریت‌هایی برگزید؟ در اکیستیس بعنوان ابزار کار آمد در جنگ سرد فرهنگی چه اهدافی پیگیری میشد؟ میتوان گفت: "عقلانی شکل‌بندی کار دکسیادیس در اکیستیس، اوبه کارهایش شکلی علمی میداد. او نتیجه مطالعاتش را همواره همچون یک مدل عاقل و جزئی از یک شبکه قابل تکرار همراه با نمایشگرها (دیالگرام) و سیستم عرضه میکرد. تقریباً بصورت یک انسان- کامپیوتری، کاملاً عملی، بدون استتیک ویا سلايق و ملاحظات شخصی، ویا خلاقیت معمارانه، عمل میکرد. خاصه در این دوران پیش- رایانه‌ای.

دکسیادیس بهیچ وجه و سواس و ذوق هنری معمارانه نداشت. او در واقع حقیقتاً یک مهندس بود، که میتواند بدین گونه جلب اعتماد نماید. اکیستیس یک شابلون نظری، فرضی بود، بیشتر یک سیستم ویا مدل علمی بود که به آن اطلاعات و داده‌های محل ویا مکانی داده میشد. سپس طرح پایانی بگونه‌ای خودکار، حاصل آن بود. تماس و آشنائی با سیمای محلی و خصوصیات معمارانه (ارشیتهکتورال) مکان ضروری بود، ولی نه چندان. انصورت با ویژگی (اونیورسال) بودن اکیستیس در ناقض قرار میگرفت.

این اهداف و پرداخت‌های عقلانی گونه‌ان با فلسفه بنیاد فورد همخوانی و هماهنگی کامل داشت. اهدافی که بر مبنای یک انسان غیر- غربی، از طریق ایجاد اعتماد و پرهیز از خشونت، میان مردمی

سیا و صحنه هنری اروپایی

این مواقع جریانات چگونه ایست که میباید کنترل عملیات در حد امکان پوشیده باشد. نشانه های

ان هنگامی برملا گردید، که موقعیت های متفاوتی پرسشی هائی را در زمینه ارتباط سیا با این ماجرا ها
یکی از این پرسشها بسیار مستقیم و بی پرده : ایا دکسیادیس یک مامور
سیا بود؟ پرسش دیگر در مورد مجسمهء نائو (9) و مجسمه فلزی و یک اثر ابستره
شروع خیابان معرفی در مقابل مرکز خرید شهر که انرا در سال 1950 طراحی
با پرسوجوهایم مطمئن شدم که مخارج طرح و نصب این مجسمه را
سیا تامین نموده است.

نخست پنداشتم، این امر بسیار ناخوش آیند است که سیا در امور هنری شهری در هلند که بیش همه طرفدار
امریکاست چنین دخالت هائی را داشته باشد؛ ولی بعداً"برایم به اثبات رسید که: سیا در دخالت و تاثیر
زاری در عرصه هنرهای بصری اروپا بسیار فعال است. (10) و 1999 شرح میدهد، چگونه
سیا به دنیای هنر و روشنفکری اروپا، که بطور سنتی به چپ گرایش داشت، بصورت یک خطر ذاتی
مینگریسته، و این سبب نگران گسترش ایدئولوژی کمونیستی بود. سیا باور داشت، برای حفظ فرهنگ
اروپا، جلب توجه نخبگان روشنفکر اروپا و دور نمودن آنها از گرایشهای چپ از اهمیت اساسی بر
با این هدف بلافاصله بعد از اتمام جنگ، در میان خرابه های برجای مانده از جنگ در دروازه برلین
جنگ فرهنگی میان دوطرف، با برپائی کنسرت، رسییتال، سخنرانی و نمایشگاه های متعدد، آغاز شد.
معماری نیز در این مبارزه درگیر بود: نشریات معروف به ساختمان در ایالات متحده (11) که در
1952 توسط موزه هنرهای مدرن انتشار می یافت، جزئی از انتشارات بخش جنگ روانی ارتش
امریکا بود که در آن معماری پس جنگ امریکا راجهت جلب دیگران به نمایش در آورده بود. این نشریات

با اشتیاق فراوان توسط نخبگان معماری آن سالها در اغلب کشورهای اروپائی مورد استقبال قرار گرفته بود . چنانکه آنها به فرض در قفسه کتاب هر دفتر معماری هلند آن سالها ، میتوانستیم ببینیم .

پولوک (12) وارزش های امریکائی

تاثیر گزاری و مانپیولاسیون فرهنگی در سال 1950 ، هنگامیکه سیا کنگره برای آزادی فرهنگی را چند
دکترین - ای طرح مارشال ترتیب میداد ، در حال نهادی شدن بود . همراه با آن ،
بموازات مجموعه سیاست های اقتصادی ، فرهنگی ، سیاست تاثیر گزاری فرهنگی در جهت جلوگیری از
گرایش اروپا به طرف دیگر ، اعمال میگردد . نقش کنگره برای آزادی فرهنگی جلوگیری از جریان های
روشنفکری اروپا که معمولاً "ایش و دل بستگی به مارکسیسم داشتند ، و جلب آنها به "راه امریکائی" .
" کارزاری در عرصه تفکر انسانها " ، کنگره مذکور بکمک برخی از فعالان دستچین شده صحنه
هنری ، که از استالینیسم سرخورده و دل سرد شده پی پی پی تحقق اهداف خود بود . آنها ، موسیقیدان پی پی پی
قاشان و هنرمندان مشهور و شناخته شده ای ، نظیر : (13) (14) و جاکسون
پولوک . بدین ترتیب ، کنگره فرهنگ و آزادی یک یورش وسیع فرهنگی را ، با نشر مجلات به زبان
های مختلف در سطح اروپا و جهان سوم ، سازمان داده ، به برپائی نمایشگاهها هنری () با همکاری
و مشارکت موزه هنرهای مدرن (اقدام مینمود .

موقعیت جاکسون پولوک و یاران اکسپرسیونیست اش در این جریانات جذابیت ویژه ای داشت : آنها از
طرف کنگره برای آزادی فرهنگی به اهداف عرضه تحفه جدید فرهنگی امریکا ، بگونه ای روشن و هدفدار
آبل ذائقه فرهنگی رایج در اروپای غربی ، بکار گرفته شدند . ولی برای کنگره هنر تجربیدی ()

12 - Jackson Pollock 13- George Orwell 14- Jean Paul Sartre 15-gum-chewing
16-Chevy- driving

اکسپرسیونیستی همه امکانات لازمه ، برای نشان دادن چهره جدیدی از امریکا به اروپای قدیم ، را داشت .
چهره ایکه بتوان انرا جایگزین تصور سطحی وبی فرهنگ بودن امریکائی ، همچون " مردمی بی فرهنگ ،
□□□□□□□□□□ (15) □□ □□ وی سوار (16) " در ذهن اروپائیان نموده ، ونهایتا : این ایده را رواج دهد ، که این
فرهنگ از فرهنگ طرف مقابل شوروی □□□□□□□□□□ □□□□□□□□□□ .

برای نخبگان امریکائی نقاشی های پولوک اشاعه دهنده ایدئولوژی آزادی واقدامی ازادند . انها بیشکل
تهی وفارغ از گرایشات سیاسی اند – □□□□□□□□□□ تی تزنر فیگوراتیو وواقع گرای سوسیالیستی اند . پولوک
تازه بمیدان آمده ، نو ، فعال وپرانرژی جلوه میکرد . □□□□□□□□□□ حالیکه هنر واقع گرای سوسیالیستی خشک ، تقلید
□□□□□□□□□□ ما وشیوه های گذشته بود . بدین صورت ، اکسپرسیونیست □□□□□□□□□□ بعنوان یک ابداع امریکائی صحنه
هنری جهان را تسخیر نمود . تا ان حد که عملا " مرکز قدیمی هنر - پاریس - به نیورک انتقال یاف □□ .
پولوک شخصیتی بود که میتوان انرا ، در مقابل نقاشان جوان پیش اهنک شوروی که با اطاعت کامل زندگی
جمعی سوسیالیست را معرفی میکردند ، قرار□□□□ . پولوک یک شخصیت □□□□□□□□□□ تیپ امریکائی □□□□□□□□□□
الخر بود ، که بخوبی میتوانست یک فیگور هنری پرتحرک را عرضه نماید .

بنیاد فورد ارتباط محکمی با کنگره برای آزادی فرهنگی داشت ، همواره بین این دو تبادل همکاریان
انجام میشد ، بگونه ای که میتوان گفت : بنیاد فورد وکنگره برای آزادی فرهنگی بصورت دوسازمان همزاد
□□□□□□□□□□ . سالهای متمادی بنیاد فورد سالانه ده میلیون دلار به کنگره کمک مالی مینمود ، حتی بعضی مواقع
اضافه بر میزان فوق نیز به کنگره یاری میرساند . بگونه ایکه بنیاد بصورت عمده ترین یاری رسان وتأمین
کننده مخارج کنگره برای آزادی فرهنگی □□□□□□□□□□ .

□□□□□□□□□□ یم به دکسیادیس وبرنامه ریزی شهری : معماری وبرنامه ریزی شهری برای کنگره برای
ازادی فرهنگی ، اولویت خاصی نداشت . دکسیادیس به گروه معدودی از معماران تعلق داشت که با کنگره
همکاری میکردند . □□□□□□□□□□ ی مهم اش درسال 1955 در میلان از میان چندین معمار درباره " پیشرفت

های اقتصادی در کشورهای توسعه نیافته ورقابت میان نظام های مبتنی بر دموکراسی و کمونیست " [۱]

میگفت . [۲] [۳] ۱۹۶۰ دکسیادیس عضو گروهی بود که [۴] [۵] کنفرانسی که در باره کلان شهرهای جدید عربی همراه با حسن فتحی (معمار و شهرساز مصری .) تشکیل شده بود شرکت [۶] [۷] . این کنفرانس توسط سیا تشکیل شده و مخارج انرا بنیاد فورد به عهده [۸] [۹] . البته شرکت دکسیادیس در این کنفرانس را نمیتوان دلیل بـان دانست که او جاسوس سیا بوده است . اما این مشارکت ها ، مبین درجه اهمیت اینگونه کنفرانسها برای سیا و بنیاد فورد و همچنین اهمیتی که ایندو برای کارهای امثال دکسیادیس قایل بودند میباشد . من سیا و بنیاد [۱۰] [۱۱] را همیشه بصورت دونهاد همراه از نظر تفکر حاکم بر آنها ، ماهیتا" بدون تفاوت میبینم . هردو در امور جاری کاملاً" شباه عمل میکنند . هرچند چنین برداشتی با ریسگ و اهمه داشتن از ، تئوری توطئه ، همراه است . من کنگره برای آزادی فرهنگی ، بنیاد فورد ، رژیم امریکا ، [۱۲] دانشگاه ها ، و همینطور سایر بنیادهای خصوصی نظیر بنیاد راکفلر ، کارانجی همه را در " جنگ با کمونیست " در یک راستا میدانم . آنها وظایف و کارها را بین خود تقسیم مینمودند . هر بار فعالیت مشخصی با کارهای بنیاد فورد هم خوانی نداشت ، کنگره و یا تشکیلات دیگر انجام انرا تقبل مینمود[۱۳] . سیا با بنیاد فورد برای بحث در [۱۴] اقداماتشان نشست های هفتگی برگزار مینمودند . این دوران برای اغلب کسانی که در این ماجراها شرکت داشتند ، دورانی بسیار پر خاطره و هیجان انگیز ، توام با ماجراجویی های زیادی است . عملیات مخفی ، سیاست های پشت پرده [۱۵] خلوت گاهها ، عملیات غیر مترقبه و اتفاقی ، سفرهای بسیار ، همراه [۱۶] [۱۷] [۱۸] [۱۹] امد زیاد ، وبویژه : باور و اعتقاد به اینکه آنچه میکنند ، از نظر اخلاقی بحق و قابل تحسین بوده است . صحنه ها و ماجراهائی که بسیاری با منتهای علاقه ارزوی شرکت در ان را داشتند . انها احساس میکردند از بهترین و خوش اقبالترین ها هستند ؛ که بخت شرکت در چنین جریاناتی ، که هدف ان تقویت مبانی و عزت ملتی [۲۰] [۲۱] [۲۲] [۲۳] داشته اند .

نظریه جدید برنامه ریزی .

در میان این مردان دکسیادیس خوش یمن ترین در زمینه برنامه ریزی شهری ، و جاکسون پولوک [1] در زمینه هنر [2] . [3] حالیکه پولوک بصورت پادزهر ضد نقاشی واقع گرای سوسیالیستی [4] .

کار دکسیادیس هم در واقع پاسخ متقابل ضد برنامه ریزی ، معماری و شهرسازی واقع گرای سوسیالیستی [5] . شهرهای بعد از جنگ شوروی تا روی کار آمدن خروشف در اواخر دهه پنجاه ، شدیداً تحت تاثیر برنامه ریزی استالینیستی بود . بر اساس آن هزاران شهر جدید در سرزمین پهناور شوروی برپاشد . در این شهرسازی معمولاً " نمادها و عناصر اشنای تاریخی بکار گرفته میشدند . منظر ، محورها ، میداين ، بلوک های بسته مسکونی ، بناهای مونومنتال و بلاخره انواع نمادهای معماری که در چشم افراد معمولی اشنا و قابل شناسائيد .

در حالیکه پولوک سبک کاملاً " متفاوتی را در زمینه نقاشی مطرح مینمود ، خود را از قالب های سنتی پیکرنگاری رها میساخت ، اکسپتیس ، دکسیادیس هم ، سیستم و نظم جدیدی را در برنامه ریزی شهری ، [6] میداد . سیستمی فارغ از قالب های طراحی رسمی ، بر اساس سازمان دهی محدوده شهری در شبکه و سیستم های قابل گسترش ، ترکیبات ، کمپوزیسیون های مونومنتال را رها کرده ، بجای انها حجم ها و کمپوزیسیونهای شماتیک ، قابل گسترش و تغییر نامحدود در عرصه شهری و مورد نظر را [7] ارائه میداد .

شهر پویای دینا پولیس (17) او ویا احتمالاً " شهر همگانی اکومنوپولیس (18) شهر جهان شمول ، موجب بهم ریختن همهء مقیاسهای شناخته شده برنامه ریزی شهری میشد . واحد های همسایگی اقتباس شده از باغ شهر انگلیسی [8] تعداد شبکه های بی پایان همراه با مجموعه های قابل تغییر که بصورت شماتیک طرح میشدند [9] بدون اینکه هیچگونه ارتباط و توجه ای [10] [11] [12] های شهری موجود داشته باشند . اهمیت ایدئولوژیکی آن در این واقعیت بود که ، برنامه ریزی دولتی اشتراکی سوسیالیسم رئالیستی دیکته شده از بالا ، جای خود را به انجمن های محلی (کمونیستی) میداد . پیش از این ایده گسترش شهر بدون محدودیت ، راه گشای مشکلات پیش رو بود ، از رشد جمعیت گرفته تا رفع کمبود انرژی ، از الودگی محیط تا کاسنی های اجتماعی و اقتصادی . بنابراین ، همه اینها جمعاً " ایده دکسیادیس را وسیله خوبی برای ، ایدئولوژی توسعه امریکائی ،

در میاورد . بنیاد فورد از برنامه ریزی شهری اود ر (هند ، یوگسلاوی ، شیلی و پاکستان) « » □ □
سفید» (19) یاد میکند . نرم ، با مزه ای ویژه ، و بلاخره مورد علاقه همه □ ویا آنچه میتوانست باعث
ایجاد تسهیلات برای هر شیوه زندگی باشد - کارامدی غربی و صلح جوئی - کمک به کشورهای جهان سوم
جهت نیل به تمدن عقلائی و بدست آوردن خودگردانی (اوتونومی) ایکه به □ □ □ □ □ □ □ □ . بالاین اوصاف
اغراق نخواهد بود ، اگر بگوئیم : کار دکسیادیس بخشی از فرهنگ و اقتصاد امپریالیسم غرب در کشورهای
در حال توسعه بود .

17- Dynapolis 18 – Ecumenopolis 19 – white bread

برنامه ریزی در خاورمیانه .

خاورمیانه در منطقه ای □ □ □ دارد ، که بطور طبیعی در شعاع نفوذ شوروی سابق قرار داشت . بهمین
سبب یکی از صحنه های فعالیت های جنگ سرد بود . بدین ترتیب ، در عمل ، درزمینه برنامه ریزی
شهری بصورت زمین بازی (پلی گراند) ویا محل تمرین حرفه ای ودست گرمی معماران وبرنامه ریزان
امریکائی در سالهای دهه 50 میلادی □ □ □ □ □ □ □ □ . فعالیت های انها معمولاً" در قالب برنامه های کمک بین
المللی ویا امریکائی ، نظیر: برنامه های بین المللی کمک به توسعه ویا اصل چهار امریکا ، بعضاً" زیر
پوشش سازمان ملل ، وتوسط رژیم های دست نشانده ایکه اغلب توسط ائتلاف انگلیسی - امریکائی به
حکومت رسیده بودند ، انجام میشد .

در ایران تحت حاکمیت شاه محمد رضا پهلوی ، ویکتور گروئن مامورتهیه طرح جامع تهران شده ،
□ رکتهای دیگری از همین سنخ مشغول تهیه طرح های شهرهای جدید در سایر نقاط کشور بودند . رژیم
عراق به سرکر □ گی ملک فیصل ، والتر گریپوس ، له کوربوزیه ، جینو پونتی ، الوار التو و فرانک لوید
رایت را بکار گرفته بود . در اینجا باگروه هاروارد (ها □ وارد کنکشن) هم مواجه میشویم : دعوت از همهء
معماران معروف ودستچین شده ، توسط نفوذ فرزند یکی از مقامات مهم حکومتی ، که خود از هاروارد
فارغ التسلیل شده واستاد سابقش والترگروپیوس بوده ، ترتیب داده شد .

برنامه اینگونه کمکهای امریکائی در آن سالها بیشتر روی کشورهای عراق ، ایران و لبنان متمرکز بود .

با اینهمه ، آنها شرایط و پیچیدگیهای جوامع این کشورها را دست کم میگرفتند . بدون اینکه با زبان آنها آشنائی داشته باشند ، با کاستی های عادات لازم از فرهنگ و رسوم اجتماعی آنها ، هرچند انگیزه داشتند ، ولی تلاشهایشان حالتی مبتدی و غیر حرفه ای بخود میگرفت . اهدافشان تحقق نمی یافت . در ایران یک گروه پنج نفره برنامه ریز امریکائی ، هنگامیکه در سال 1957 به ایران آمدند ، با مشاهده اوضاع ، بسیار متعجب شدند . چون بنظرشان شهر تهران ، آنچنان که باید یک کلان شهر نبود . تهران فاقد یک سیستم حمل و نقل مطمئن ، مراکز خرید ، آموزش لازم و . . غیره بود . آنها برای ارتباط و همکاری با مجریان مشکلات فراوانی داشتند . همواره سلسله مراتب اداری دست و پاگیر مواجه بودند . این موانع آنها را نسبت به ادامه کار مایوس و نا امید مینمود . یک گروه مشتاق از آنها برای امور برنامه ریزی شهری به غرب کشور به شهر سنج در کرمانشاه فرستاده شدند . آنها با جدیت بسیار موفق شدند در این شهر ، در محلی ، یک دفتر کوچک برنامه ریزی شهری احداث نموده و چند نفری را نیز برای اداره آن آموزش دهند . اما پس اینکه دوسه هفته جهت شرکت در یک سمینار آموزشی از منطقه خارج شده بودند ، هنرمندان و متخصصان اطلاع یافتند تاسیسات ایجاد شده در اثر یک طوفان از بین رفته و افراد شاغل در آن نیز به جای دیگری منتقل شدند . خلاصه این نمونه ایست از تفاوت میان غرب ، برنامه ریزی عقلانی اش ، که میخواهد همواره آنها را بدیگران و یا در فضاهائی با ویژگیهای متفاوت ، تحمیل نماید .

هنگامیکه اینگونه تلاشهای ساده انگارانه (نائیو) را با آنچه دکسیادیس پیشنهاد میکرد مقایسه نمائیم کار آمدی و قابلیت اومشاهده میشود . بویژه در عراق ، جائی که از او برای طرح مسکن ملی و عمدتاً در شهر کربلا عوت به همکاری شده بود . دکسیادیس قابلیت اجرایش را در آنجا بنمایش گزارده .

با اقدام شخصی اش ، وزارت مسکن و برنامه ریزی عراق را تاسیس و آنرا سازمان داده ، معماران و کارشناسان بسیاری را برای اداره امور آن آموزش دهد . در حالیکه دفتر گروپیوس که با کوشش بسیار موفق به ارائه طرح دانشگاه بغداد شده بود ، فقط موفق شده بود یکی از برجهای این مجموعه را پس از گذشت بیست سال به اجرا در آورد . فرانک لویو رایت در آن زمان بود که ، چگونه انقلابیون ، هنگام سقوط

حکومت فیصل ، آنها نقشه های مربوط به پروژه عظیم اپرای بغداد را از پنجره به خیابان پرتاب میکنند . ولی دکسیادیس با چنین مسائلی مواجه نشد : گروه وتیم همکاران مولتی دیسیپلینراو به نوشتن گزارشهای خود ادامه میدادند . ده ها هزار واحد مسکونی را طرح نموده وحتی موفق به اجرای بسیاری از آنها هم شدند . بدین ترتیب تاریخ رسمی معماری نشان میدهد که معماری سطح بالای اساتید بزرگ ، نظیر گروپیوس و رایت با بی مهری مواجه میشود ، اما درمقابل این غفلت و بی مهری ، دکسیادیس موفق میشود .

امروزه همگی سرانجام کارهایش را در تصویرهای سی.سی.ان. میبینیم . از اواخر سالهای دهه 50 دکسیادیس مجموعه های زیادی در عراق ، در شهرهایی که امروزه نامشان مشهور شده ، باجرا در آورد . در موصل ، بصره ، کرکوک ، و شمار بزرگی از این واحد های مسکونی در بغداد باجرا در آمدند . ساحل شرقی رود دجله تکرار بی پایان محلات مربع شکل هرکدام شامل مجموعه های مسکونی ، در تصویر های ماهواره ای بسهولت قابل شناسائی است . مجموعه ها فضای وسیعی را در بر میگیرند که شهرک صدر ویا صدر سیتی نامیده میشود. صدرسیتی همانگونه که آگاهیم امروزه مکان پرمخاطره ایست . این مکان نا امن امروزه بصورت مرکز تامین نفرات برای ادامه مبارزه در آمده است . صدر سیتی امروز دژ مبارزه با امریکااست . مکانی که در آن بیش دومیون جمعیت ، اکثرا " شیعه عراقی ، زندگی میکنند . شهرک صدر شامل مجموعه وسیعی از واحدهای مسکونی کم ارتفاع ولی باتراکم بسیار زیاد است. کوچه های تنگ ، ارتباطهای درون محله ای ، الونک های بتونی ، واحدهای مسکونی کوچک که بصورت ردیفی ساخته شده اند . صدر سیتی حتی این افتخار رداشته که بصورت یک بازی یارانه ای هم در آید .

Kuma War : Mission 16, Battle in Sadr City

برنامه ریزی بعنوان یک راهبرد (استراتژی) سیاسی

صدر سیتی ، بخشی از کار دکسیادیس در ماستر پلان بغداد میباشد ، که توسط او بر پایه اکیستیس طرح شده . طرح بر مبنی تکرار محلات همشکلی است که بصورت اجزای یک شبکه شطرنجی

میباشند . چون بیگانگی مردم به سرخوردگی آنها وبازگشت به کمونیزم ویا رجعت به سنت های کهنه (ارکائیک) □ □ □ □ □ □ □ □ میانجامد .

از این جهت ما میتوانیم ، شهر طراحی شده توسط دکسیادیس : با مقیاس شهری کوچک شده اش ، میدان های گپ زنی اش ، خیابان های کوچک درون محلات اش را همچون «رها شدن از ماشین» بدانیم . رهائی ایکه جزئی از بسته « مدرنیزاسیون ، برقراری نهادهای دموکراسی ، اصلاحات اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد بود . «نگری این تحولات ، یک چیز را با اطمینان میتوان «فهمید» : برنامه ریزی شهری در عراق ، ایران و یا پاکستان ، ان نتیجه ایکه امریکائی ها انتظارش را داشتند ، نداشت : تفکر دموکراتیک تثبیت شده ایکه میبایست راه را برای اعمال سیاست خارجی «هموار نماید ، بجائی نرسید .

[illegible]

نشانہ | شکست

وقت ان است که وضعیت کنونی عراق را با زمان جنگ سرد مقایسه کنیم . بار دیگر امریکا کوشید تمایلات خود را بر عراق تحمیل کند – این بار با همانگونه که نائومی کلین (20) تحلیل نموده : ایده نو محافظه کاران اقتصاد بازار ازاد . حتی مقامات رسمی سابق که " " صمیم گیر سیاسی دهه 50 بودند ، همچون پرفسور تاریخ ویلیام پولک (21) ، اکنون هشدار میدهند ، مبدا بار دیگر اشتباهات ان سالها را تکرار کنیم : تحمیل ساختارهای ، ایده ها ، تشکیلات و طرحهائی که طالبی نداشته و با فرهنگ بومی این جوامع هیچ سنخیتی ندارند . بولک بگونه ای ساده و روشن میگوید : این فقط امریکا نیست که

میخواهد راهش را خود تعیین نماید و همینطور میتوانیم اضافه کنیم : این فقط امریکا نیست که میخواهد در

معماری اش خود تصمیم بگیرد . معماری و برنامه ریزی شهری ، چنانکه بنیاد فورد میپندارد « »

سفید» این بنیاد نیستند . آنها یک کارانی : بدون مفهوم ذاتی یا سلیقه ای ویژه نیستند که ما چگونگی انرا تعیین کنیم ؛ بلکه بالعکس، آنها مفهوم و نماد مشخصی از هر جامعه اند . با اینهمه هنگامیکه در باره

شهرسازی دکسیادیس دآوری میکنیم ، در نهایت به این نتیجه میرسیم : هرآنچه در پس این ایده ها قرار داشته باشند ، باز هم بسختی میتوان در شرایط کنونی ، دورنمای مثبتی را برای آینده عراق ترسیم نمود .

اگر بخواهیم شهرسازی بغداد را با شهرهای اروپائی مقایسه کنیم ، باتوجه به اینکه اندو بایگدیگر تفاوت کلی دارند ، مقایسه ای بسیار نادرست خواهد بود . با این همه یک چیز در هر دو وضعیت مشابه

در اروپا هم ، هدف سیاسی فرهنگی ایکه مبتنی بر ان یک پروژه تکنوکراتیک بتواند جهت صنعتی و استاندارد دیزه کردن شهر - هدفی که شهرهای جدید بتوانند عملکردشان را همچون وسیله ای برای ،

امانسیپاسیون و مدرنیزاسیون ، - داشته باشند . در اروپا هم ، این ایده ال ها انچنان که در برنامه ریزی ها پیشبینی شده اند ، محقق نشد .

بنابراین با قبول این فرض ، یک چیز کاملاً روشن و مسجل میگردد : در وضعیت کنونی ، آنچه همهء معماران و اصحاب برنامه ریزی شهری بر ان اذعان دارند ، این است که : شهرهای جدید احداث شده پس از جنگ دوم ، در همه جا بطور کامل با شکست مواجه شده ، تنها حاصل آنها مشتی راهبرد های بی

نا کار آمد بوده است . آنچه در سطح اکادمی هم اکنون گرایشهای پژوهشی بسیاری را در جهت علت یابی این ناکامی ها شکل داده است .

20 – Naomi Klein 21 – William Polk

First published in *Lettre Internationale* (Denmark) 11 (2006) (Danish version)